

حوادث۱۹

تلنگر

حمله باقمه به دهیاری روستا

سه‌شور که باقمه به نیروهای یک دهیاری در جنوب تهران حمله کرده بودند، بازداشت شدند. به گزارش سایت پلیس، سرهنگ دوستعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی ویژه شهرری در حاشیه دستگیری این افراد گفت: چندی پیش گزارشی درباره حمله چند نفر با قمه به نیروهای دهیاری روستای اشرف‌آباد از توابع شهرری به پلیس ۱۱۰ گزارش شد. ماموران کلانتری خاورشهر در محل حاضر شده و تحقیقات را آغاز کردند که معلوم شد سه نفر در حالی که قمه به‌دست داشتند، در حال عریده‌کشی و استفاده از الفاظ رکیک خطاب به نیروهای دهیاری هستند که هر سه نفر بازداشت شدند. در جریان این نزاع یکی از نیروهای دهیاری زخمی و روانه بیمارستان شد.

بازداشت رمال اینستاگرامی

مردی که در اینستاگرام اقدام به کلاهبرداری از طریق رمالی می‌کرد، شناسایی و بازداشت شد. سرهنگ شمس‌ت سلیمانی، رئیس پلیس فتای استان فارس به جام‌جم گفت: با شکایت تعدادی از شهروندان مبنی بر کلاهبرداری با ترفند فالگیری و رمالی در اینستاگرام از مردم، تحقیقات در این‌باره آغاز شد. با تحقیق از شاکیان معلوم شد که آنها در اینستاگرام با یک آگهی تحت عنوان رمال برخورد کرده‌اند و ضمن برقراری تماس با فرد تبلیغ‌کننده مبلغی پول واریز کردند اما پس از آن دیگر مرد رمال پاسخگوی تماس آنها نبوده است. رداین فرد در استان البرز به‌دست‌آمد و در آنجا بازداشت شد. در بازرسی از خانه متهم، ۹۷ هزار دلار، ۴۰ سکه و مقدار زیادی طلا و جواهرات که متهم از طریق کلاهبرداری به‌دست آورده بود کشف شد. بنا به‌نظر کارشناسان، ارزش اموال مشکوفه شش میلیارد تومان بوده است.

بخشش قاتل پدر

خانواده‌ای در اقدامی نیکوکارانه مرد اعدامی که پدرشان را کشته بود، بخشیدند. به‌گزارش ایسنا، در سال ۹۷ بر اثر نزاع میان دو نفر در شهر صابین‌قلعه استان زنجان یکی از آنها که پدر خانواده‌ای بود به قتل رسید. قاتل بازداشت و بعد از اقرار روانه زندان شد. متهم در دادگاه حکم قصاص گرفت و پرونده‌اش به اجرای احکام دادگستری ارسال شد. سرانجام با گذشت چهار سال از این ماجرا و با تلاش صلح و سازش شورای حل اختلاف، این شورا توانست رضایت خانواده مقتول را جلب کند و قاتل بخشیده شد و به‌زودی از زندان آزاد می‌شود.

بازداشت پزشک قلابی

مردی که با مدرک پزشکی جعلی اقدام به ویزیت شهروندان می‌کرد، بازداشت شد. سرهنگ محمد نادریبیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز به جام‌جم گفت: ماموران اداره جعل و کلاهبرداری با انجام اقدامات اطلاعاتی از فعالیت شخصی در زمینه پزشکی با مدرک جعلی مطلع و بررسی موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. در جریان تحقیقات معلوم شد این مرد با جعل مدرک پزشکی زیبایی اقدام به راه‌اندازی مطب کرده و با جلب اعتماد مردم، آنها را ویزیت و مقادیر زیادی از آنها پول می‌گرفت. متهم تحت تعقیب بود که بازداشت شد. ۱۷مدرک پزشکی جعلی در مطب کشف شد. متهم در تحقیقات اعتراف کرد که با جعل مدرک پزشکی زیبایی برای خود و همدستش با تبلیغ در فضای مجازی، مشتری جذب می‌کرد.

بازداشت شرور تپانچه به‌دست

شروری که با تپانچه شکاری، مامور نیروی انتظامی را تهدید می‌کرد با قانون به‌کارگیری سلاح توسط پلیس زمینگیر شد. سرهنگ حسن عنایت‌گنجی، فرمانده انتظامی شهرستان بهشهر به سایت پلیس گفت: ماموران انتظامی هنگام گشتزنی در یکی از خیابان‌های شهر به راکب و سرنشین موتورسیکلی که با صورتی پوشیده در حال تردد بودند، مظنون شدند. راکب موتور سیکلت با دیدن ماموران، ضمن تغییر مسیر اقدام به فرار کرد. او در مواجهه با پلیس، پس از ناکامی در فرار با سلاح گرم (تپانچه شکاری) مامور پلیس را تهدید کرد. وی افزود: مامور جوان با هوشیاری و کنترل اوضاع، ضمن اخطار به متهم برای خلع سلاح، در ادامه با توجه نکردن این فرد به اخطار پلیس و استفاده از قانون به‌کارگیری سلاح، با تیراندازی این فرد را زمینگیر و بازداشت کرد.



یافتند. سرهنگ همه‌خانی، معاون آموزش و فرهنگ ترافیک پلیس راهور فاتب در این‌باره گفت: با توجه به بازنگی صبح دوشنبه و لغزنده بودن معبر، کامیون فوتون به‌دلیل نداشتن توانایی ناشی از سطحی از سرعت مطمئنه به‌صورت مورب باگاردریل‌های برخورد کرد. خودروهای بعدی دیگر نیز با یکدیگر برخورد کردند.

دهکده حوالی پل کن به آتش‌نشانی گزارش شد. در ادامه نیروهای امدادی سه ایستگاه آتش‌نشانی در محل حاضر شدند. در این تصادف زنجیره‌ای، ۴۶ دستگاه انواع خودروی سواری با یکدیگر تصادف کردند. ۹ نفر مصدوم شدند که دو نفر از مصدومان سرپایی درمان شده و هفت نفر دیگر به بیمارستان انتقال

۹ مصدوم در تصادف زنجیره‌ای پایتخت

تصادف زنجیره‌ای ۳۶ دستگاه خودروی سواری در بزرگراه شهید حکیم تهران، ۹ مصدوم برجای گذاشت. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران به جام‌جم گفت: ساعت ۵ و ۴۴ دقیقه دوشنبه شانزدهم اسفند امسال، وقوع حادثه تصادف در مسیر غرب به شرق بزرگراه شهید حکیم بعد از سه‌راه

خانواده ۳ بیمار مرگ مغزی با اهدای عضو، جان ۱۰ بیمار را نجات دادند

بخشش زندگی به‌توان ۳

دو سانهٔ تصادف و یک بیماری خاموش باعث شد تا خانواده‌های خشک‌جان، کاظمی جلودار، پریزادگاوان، عزادار مرگ عزیزان خود شوند. در روزهایی که هر سه بیمار پیراساس اعلام قطعی پزشکان مرگ مغزی شده بودند، خانواده‌های آنان هم می‌توانستند پیکر عزیزشان را به خاک بسپارند یا با میل و رضایت خود، اعضای بدن آنها را به بیماران در صف پیوند اهدا کنند که سال‌ها چشم انتظار پیوند عضو بودند و فاصله‌ای با مرگ نداشتند. هر سه خانواده با اینکه تا لحظه آخر همچنان امیدوار بودند شرایط تغییر کند و بیماران شان به زندگی برگردند اما تصمیم گرفتند با اهدای اعضای بدن آنها، جان بیش از ۱۰ کودک و زن و مرد نیازمند به اهدای عضو را از مرگ نجات دهند. جام‌جم گفت‌وگویی با هر سه خانواده انجام داده که در ادامه می‌خوانید.

	
آخرین دیدار پسر با مادر	
۹ بهمن امسال، احمد رضا خشک‌جان از محل زندگی‌اش در رباط کریم تهران به شمال کشور رفت تا با مادرش دیداری تازه کند اما تبدیل به آخرین دیدار او شد. پس از دیدار با مادر، دوباره حرکت کرد اما خواهرش هرچه منتظر ماند خبری از احمد رضا نشد. او که نگران شده بود با مادرش تماس گرفت و سراغ برادر را گرفت اما او هم خبری نداشت. مادر و خواهر احمد رضا که نگران او شده بودند، با تلفن همراهش تماس گرفتند اما کسی جواب‌شان را نداد. این بار خاله احمد رضا با گوشی او تماس گرفت که بالاخره یکی از مسوولان کلانتری محمدیه جواب داد و گفت احمد رضا در جاده قزوین-کرج تصادف شدیدی کرده و وضعیت وخیمی دارد.	

	
جان چند نفر را نجات دادیم	
۱۹ بهمن امسال، آخرین روزی بود که فرزندان زهرا کاظمی جلودار، مادر ۵۰ساله‌شان را خندان و سرحال می‌دیدند. آن روز مادر رفت خرید و پس از خرید در حال بازگشت به خانه ناگهان با یک موتوروی در شهرگتاب بابل به‌شدت تصادف کرد. شدت تصادف به حدی بود که دست، پا، استخوان فک، چشم و بسیاری از اعضای بدن او دچار شکستگی شد و مغزش نیز به‌شدت ضربه دید. یکی از بستگان زن میانسال که حوالی محل تصادف بود، موضوع را به پسرزن میانسال اطلاع داد. سیدمحمد کمالی می‌گوید: «پس از انجام سی‌تی‌اسکن از مادرم، او را به اتاق عمل منتقل کردند. سه، چهار ساعت در اتاق عمل بود و وقتی جراحی تمام شد به پزشک معالج مادرم گفتم من پسر بزرگترش هستم و در‌مورد وضعیت جسمی‌اش واقعیت را به من بگویید. دکتر گفت جلوی خونریزی	

	
ر بودن دختر ایرانی برای عقد اجباری	
مرد افغان پس از سوء‌قصد ناکام به جان همسرش، دختر ایرانی را ربود تا او را به عقد خودآورد که از سوی خانواده دختر دستگیر شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو روز پیش خانواده ای با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کرد که دختر ۲۲ساله‌شان ناپدید شده است. ماموران در جست‌وجوی این دختر بودند که روز بعد خانواده‌اش مردی ۲۶ساله تبعه افغانستان را که به‌شدت کتک خورده بود به اداره پلیس آورده و مدعی شدند، او دخترشان را ربوده و می‌خواسته به زور به عقد خود درآورد.	

	
مرد افغان را ربوده و می‌خواسته به زور به عقد خود درآورد.	
ماموران ابتدا از دختر ربوده‌شده تحقیق کردند که وی گفت: با فرید دو سال قبل در اینستاگرام آشنا شدم که می‌گفت مجرد است. بعد از مدتی به من ابراز علاقه کرد و خواست ازدواج کنیم که قبول نکردم چون او تبعه افغانستان بود. یک روز به بهانه تفریح همراه دوستش به دنبال‌آمدند و در میان راه با گذاشتن چاقو زیر گلویم مرا ربوده و به خانه ویلایی بردند. بعد فرید به من لباس عروس داد تا بپوشم. عاقد هم آورده بود. به بهانه پوشیدن لباس عروس به اتاقی رفته و با ارسال آدرس آنجا برای خانواده‌ام درخواست کمک کردم. آنها ساعاتی بعد خود را به آنجا رسانده و نجاتم دادند. عقد به‌هم خورد و مرد افغان را با خودشان بیرون برده و به‌شدت کتک زدند.	

	
در ادامه متهم نیز در تحقیقات گرفت؛ هر چند متاهلیم و دو بچه دارم اما بعد از آن‌که با این دختر در اینستاگرام دوست شدم به او علاقه‌مند شده و از او خواستگاری کردم که قبول نکرد. در ادامه نقشه ربودن او را اجرا کردم تا به زور عقدش کنم.	
همزمان با شروع تحقیقات مشخص شد. این مرد به اتهام سوء‌قصد به جان همسرش تحت تعقیب پلیس است. از وی تحقیق کردند که گفت: برادر همسرم به آلمان مهاجرت کرده بود و همسرم هم می‌گفت به آلمان برویم که به‌خاطر دل‌بستگی به دختر ایرانی قبول نکردم. آن روز بر سر مهاجرت به آلمان درگیر شدیم که خودش را از تراس طبقه دوم پایین انداخت و از ترسَم فرار کردم.	

	
حبیب ... صادقی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای جنایی تهران در این‌باره به جام‌جم گفت: ماموران موضوع سو‌قصد را بررسی کردند که معلوم شد براساس گفته شاهدان و زن جوان، متهم بعد از دعوا، همسرش را از تراس طبقه دوم ساختمان به پایین پرت کرده است.	

	
با اعلام موافقت خانواده و خداحافظی آنها از مادر، او با آمبولانس به بیمارستان امام خمینی (ره) تهران منتقل و کبد و دو کلیه او برای پیوند اهدا شد؛ «از اینکه اعضای بدن مادرم اهدا شد، خوشحالم چون حداقل توانستم جان سه نفر دیگر را نجات دهم. عمر مادرم تا همین جا بود. خدا را شکر می‌کنیم که آن سه نفر می‌توانند با استفاده از اعضای بدن مادرم، صحیح و سلامت در کنار خانواده‌شان زندگی کنند.»	

	
این زن، ماهر کوچولو را ربوده است	
همراه فرزندش در بازار شهرری دستفروشی می‌کرده که دو زن به وی نزدیک شدند و یکی از آنها یک لیوان چای به او داد که بعد از نوشیدن آن بیهوش و فرزندش ربوده شد. جست‌وجو درحالی برای یافتن ردی از سرنوشت این کودک با بن‌بست روبه‌رو شده که بازپرس شعبه هشتم بازپرسی شهرری دیروز دستور چاپ تصویرن کودک را و پسر ربوده‌شده را در روزنامه بدون پوشاندن چهره متهم صادر کرد تا چنانچه شهروندان از سرنوشت این کودک یا مخفیگاه زن کودک‌ربا اطلاع‌دارند به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهند.	

بازسازی صحنه شهادت مامور پلیس کرمانشاه

کنم. آن شب سلاح تهیه کرده و با همدستم راهی خانه آن مرد شدیم تا به زور طلیم را از او بگیرم. وارد خانه‌اش شدیم اما حضور نداشت و سه ساعت در شوق‌آزخانه منتظر او ماندیم. وقتی خبری از او نشد، در نهایت ترسیدیم پلیس سر پرسد و تصمیم به ترك آنجا گرفتیم.»
وی افزود: «در خیابان گشت پلیس به ما شک کرد و شروع به پرس و جو کرد که در این ساعت در خیابان چه می‌کنید. ابتدا گفتیم در حال ورزش هستیم. بعد بی‌سیم پاراگلایدر را در دستم دیدند و در مورد آن سوال کردند که به دروغ گفتیم ما هم ماموریم و در ماموریت هستیم. حتی از آنها خواستیم بروند که پیشتر به ما شک کردند و مدارک‌مان را خواستند. سلاح در لباسم بود. وقتی آن مامور دستش سمت صندلی رفت، تصور کردم می‌خواهد با سلاح ما را بزند. به او امان ندادم و بعد از زخمی کردن آنها، فرار کردیم.»



عکس‌ها مهر



عکس‌ها مهر